

## • ("أنا خير منه" .. مشكلة المنكرين دائماً) ..

«من از او برترم»؛ مشکل همیشگی منکران

يقول العبد الصالح (عليه السلام) في هذا: (لماذا المنكرون دائماً هم الكثرة؟ هل المشكلة في خلفاء الله أم في الناس، وما هي مشكلة الناس؟ إذا عرفت سبب الفشل في الامتحان الأول تستطيع الإجابة على هذا السؤال).

عبد صالح (عليه السلام) در این مورد می‌فرماید: «چرا منکران همیشه در اکثریت‌اند؟ آیا مشکل در جانشین الهی است یا در مردم؟ مشکل مردم چیست؟ اگر سبب شکست در امتحان نخست را دریابی، می‌توانی به این سؤال پاسخ دهی.

إظهار "أنا" المخلوق بشكل جلي يعاقب عليه، أي إنه طالما استبطن مواجهة ربه بـ "أنا" فالآن تجلى له في خليفة ليقول أنا خير منه، ولم يكن ليجرأ على النطق بها أمام الله القهار، ولكنه كان ينطق بها في كل آن بنظره المنصب على نفسه، أولئك الذين لا يكادون يرون أيديهم، أعمتهم الأنا، فهم كل همهم أنفسهم وما يلائمها وتجنب ما ينافيها ظاهراً. الآن، تجلى لهم الذي خلقهم في خليفته ليظهر على الملاما انطوت عليه أنفسهم الخبيثة من إنكار له سبحانه ولفضله.

بروز و ظهور «من» مخلوق به صورت آشکارا، مجازات در پی‌دارد؛ یعنی هر چه مخلوق در رویارویی با پروردگارش، «من» را در نهان به کار می‌گیرد، اکنون آن را به صورت رویارو با جانشین خدا و با گفتن «من از او برترم» نمایان می‌سازد. او جرأت نداشته است که در برابر خداوند قهار چنین چیزی را بر زبان براند، لیکن در هر لحظه وقتی به نفس خود نگاه می‌کرد، آن سخن را به زبان می‌آورد. آنها کسانی هستند که حتی نمی‌توانند دست‌های خود را ببینند.

منیت آنها را کور ساخته است. تمام هم و غم ایشان، پرداختن به نفس‌شان است و آنچه به آن مربوط می‌شود؛ و همچنین اجتناب از هر چه که با نفسشان به ظاهر، سر ناسازگاری دارد. اکنون آن کسی که آنها را آفریده است، در خلیفه‌اش متجلی گشته تا به این ترتیب بر همگان، آنچه نفس‌های خبیث‌شان از انکار خداوند سبحان و فضل او پنهان می‌کرده است، آشکار گردد.

ولو قربت لك الصورة أكثر في مثل مادي: فحالهم كمن ركز نظره على نفسه وهو يواجه ربه دون أن ينطق أو يقول: أنا خير ممن خلقتي، أو أن يقول نفسي أهم عندي ممن خلقتي، ولكن حاله ونظره المنصب على نفسه ينطق بهذا. الآن، امتحنه الذي

## خلقه بمثله - ظاهراً - إنسان، فمباشرة نطق بما انطوت عليه نفسه فقالها جهاراً دون حياء: أنا خير منه).

اگر بخواهی وضعیت را در یک مثال مادی برایت نزدیک می‌کنم: حال آنها مانند کسی است که بر نفس خود تمرکز نموده است بدون این که آشکارا بگوید: «من برتر از کسی هستم که مرا خلق نموده!» با خدای خود روبه‌رو می‌شود یا بگوید: «نفس من مهم‌تر از کسی است که مرا آفریده است!»؛ اما حال و نظرش که متمرکز بر نفس خویش شده است، گویای این سخن است. اکنون خداوند او را به شخصی مانند خودش که در ظاهر یک انسان است، امتحان نموده است، او به طور مستقیم و آشکارا، بدون شرم و حیا، آنچه نفسش پنهان داشته را می‌گوید: من از او بهترم!

\* \* \*